

## آهوی دریائی در مصاف با کفتاران

آهو دریائی، دانشجوی ترم هفتم علوم و تحقیقات تهران در ۱۲ آبان ۱۴۰۳ در حالی که از محوطه دانشکده خارج می‌شود، مورد تهاجم دو زن محجبه و چند مرد مسلح (گارد دانشگاه) قرار می‌گیرد. آنها سعی می‌کنند این دختر را که اکنون به "دختر علوم و تحقیقات" مشهور شده است، با فشار و جبر به یکی از خودروهای خود بکشانند. در واقع این نیروهای سیاه و مرتجع سعی می‌کنند او را بربایند. آهو دریائی مقاومت می‌کند. آنها نیز در این درگیری لباس‌اش را جر می‌دهند.



در این لحظه فریاد هزاران زن مبارز در شکنجه‌گاه‌ها، در بی‌قولیهائی به نام زندان، عصیان صدها دختر مورد تجاوز در زندان‌ها، قربانیان اسید پاشی و زخم دیدگان گلوله‌های ساچمه‌ای، قربانیان معیارهای اسلامی پوشش و استثمار شدگانی که خانمانشان را رژیم جمهوری اسلامی

بر باد داده است، به صورت شعله‌ای سوزان از مشت‌های گره کرده او بر لباس‌اش می‌پاشد و او ستم و دد منشی یک رژیم تبهکار و جنایت کار را با عریانی تن خود به نمایش می‌گذارد و تمام نرم‌ها و محدودیت‌های رژیم سرمایه‌داری - اسلامی ایران را با تمام عواقب آن، لگد کوب می‌کند.

این خانم شجاع و تحصیل کرده در شرایطی قرار می‌گیرد که دیگر نمی‌تواند آن را تحمل کند. با داشتن دو کودک، عصیان می‌کند، بی پروا و با آرامش با بدنی نیمه عریان قدم می‌زند، می‌نشیند و به تنهائی در انتظار می‌ماند. او برای عریان نمودن چهره فاشیستی و جنایت کارانه رژیم، همه عواقب عریانی تن‌اش را به جان می‌خرد.

زندگی علمی و خانوادگی آهو دریائی نشان می‌دهد که از سلامت کامل جسم و روان برخوردار است. هیچ مشکل روانی در او دیده نمی‌شود. نیمه عریان شدن‌اش شجاعت آگاهانه و تحسین برانگیز او را می‌رساند. این عمل او به معنی یک عمل رادیکال علیه رژیم سرمایه‌داری - مذهبی نیست ولی به عنوان جسورانه‌ترین اقدام در بی اعتباری نرم‌های مذهبی رژیم به غایت عقب مانده و ضد بشری ایران باید به حساب آید.

ما تا کنون غیر از موضع این خانم در بی ارزش دانستن نرم‌ها و قوانین ارتجاعی - مذهبی رژیم، موضع دیگر او را نیز می‌شناسیم. او در اینستاگرام‌اش نوشته است «مردم ایران لایق رفاه و آزادی» هستند. این موضع از سلامت روان او و یک آگاهی اجتماعی - سیاسی درست خبر می‌دهد که با اخبار منتشره توسط رژیم خونخوار ایران در تقابل است: «آهو دریایی در ۱۲ آبان ۱۴۰۳ در اقدامی شنیع و زننده در دانشکده علوم و تحقیقات برهنه شد ... همسر آهو دریایی می‌گوید که او دچار اختلال روانی بوده و به تازگی از یکدیگر جدا شده‌اند و طلاق گرفتند بنا به گزارش‌ها این دختر در محوطه دانشگاه اقدام به فیلمبرداری از دانشجویان کرده بود که با اعتراض آنها روبرو شد و زمانی که حراست به موضوع ورود پیدا کرد و به او تذکر داد تا هرچه زودتر ویدیوها و فیلم‌هایی که از محوطه دانشگاه و دانشجویان گرفته را حذف کند اما این زن با پرخاشگری تمام از این خواسته سر باز زد و در نهایت اقدام به برهنه شدن در محوطه دانشگاه کرد نیروهای حراست هر کاری کردند نتوانستند که او را متقاعد کنند از این رفتار دست بردارد تا اینکه پلیس را در جریان کار قرار دادند.» (سایت شبونه)

این دروغ آشکار هیچ کس را نمی‌فریبد. این دروغ و تهمت زیرساز جنایت دیگریست. زیر ساز به بند کشیدن قانونی او. او را روانی جلوه می‌دهند تا برخی از پزشکان خود فروخته جنایت کار با تزریق داروهای جنون آفرین، این زن مبارز را از صحنه اجتماعی و نهایتاً زندگی حذف کنند.

حراست و نیروهای وابسته به وزارت اطلاعات او را به بیمارستان روانی می‌برند و در اطاقی که شدیداً تحت تدابیر امنیتی است زندانی می‌کنند.

این اولین بار نیست که زنی به علت سرپیچی از حجاب اجباری بیمار روانی تلقی می‌شود. مثلاً «افسانه بایگان، بازیگر مطرح سینمای ایران، محکوم شد تا هفته‌ای یک بار برای «درمان بیماری روحی شخصیت ضد خانواده» به مرکز مشاوره و روانشناسی برود و گواهی سلامت بگیرد. آزاده صمدی، دیگر بازیگر زن معترض به حجاب اجباری، هم محکوم شد تا برای درمان «شخصیت ضد اجتماعی» و «نیاز به دیده شدن از طریق عدم رعایت مقررات عمومی و رفتارهای نابه‌هنجار و ضداجتماعی» دو هفته یک بار به مرکز روان‌شناسی و مشاوره برود.» (بی بی سی - ۱۱ شهریور ۱۴۰۲)

دستگیری و به بند کشیدن و روانی جلوه دادن این زن مبارز و عصیانگر، با اعتراض میلیون‌ها زن و مرد ایرانی و خارجی روبرو شده است.

خانم گوهر عشقی، مادر جانفشان ستار بهشتی، در پشتیبانی از آهو دریائی چنین نوشته است: «دختر عزیزم در دانشگاه علوم و تحقیقات، در اعتراض به خشونت و رفتار متوحشانه حراست دانشگاه، که او را ضرب و شتم کرده بودند، عریان شد تا نشان دهد تن زن ابزار نگاه‌پلید آنان نیست و در چنین مواقعی بدل به اسلحه‌ای قدرتمند علیه نگاه کور و زن ستیز حکام جمهوری اسلامی می‌شود. درود بر زنان وطنم که در دانشگاه‌ها با قلبی از جنس آتش و آینه مقابل استبداد قرون وسطائی قد برافراشته‌اند...» بسیاری از هنرمندان ایران مثل کتایون ریاحی و مهدی یراحی با آهو دریائی همسرنوشتی و پشتیبانی اعلام کردند. تمام سازمان‌های سیاسی مترقی و حتی لیبرال علیه اقدامات رژیم در این مسأله موضع گرفتند.

علیه دستگیری و در دفاع از او در بسیاری از شهرهای اروپائی و غیر اروپائی تظاهرات و میتینگ‌هایی برگزار گردیده است. جهان آگاه از این امر، رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرده است. «مهم‌ترین جایزه ادبی فرانسه، امسال به کمال داوود، نویسنده الجزایری - فرانسوی، اهدا شد که رمان "حوری‌ها" را درباره وضعیت زنان در کشورش (الجزایر) نوشته است. جایزه گنکور بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد و معتبرترین جایزه ادبی فرانسوی‌زبان به شمار می‌رود. آقای داوود روز سه‌شنبه ۱۴ آبان پس از دریافت این جایزه، به مبارزات زنان ایرانی اشاره کرد و به خبرنگاران گفت که شخصیت اصلی رمانش تجسم همه زنان از جمله زن معترضی است که به‌تازگی در یکی از دانشگاه‌های ایران برهنه شد.» (سایت ژورنال شماره ۸۸۱)

این مبارزات باعث گردیده تا سازمان عفو بین‌الملل نیز به حرکت آید: «سازمان عفو بین‌الملل روز سه‌شنبه ۱۵ آبان از انتقال آهو دریائی، مشهور به «دختر علوم و تحقیقات»، دانشجویی که در اعتراض به سرکوب حکومتی زنان برای اعمال حجاب اجباری لباس از تن درآورد و نیمه برهنه شد، به یک «بیمارستان روانی» انتقاد کرد.» (VON - ۱۸ آبان ۱۴۰۳)

رژیم هیچ اطلاعی از محل اختفای او نداده است. همه انسان‌های مترقی ضد فاشیسم و استبداد، نسبت به سرنوشت این زن مبارز نگرانند. آنچه را که همه می‌دانند این است که رژیم می‌خواهد یا از او اعتراف اجباری بگیرد و یا او را با داروهای زیان‌آور به جنون مبتلا گرداند.

در این مابین ولی اندیشه نادرستی در مورد رفتار درونی مردم خود را نمایان ساخت، و آن، محکوم کردن کسانی که در این رخداد حضور داشتند ولی ساکت ماندند و اقدامی نکردند. در مقاله‌ای چنین آمده است: «ترس‌های تنها ... آنچه من دیدم لخت شدن یک زن نبود عریانی یک اجتماع تنهای ترسیده بی تفاوت بود. نمایش تن‌های تنها و ترس‌های تنها.»

این موضع سطحی و غیر علمی است.

آیا باید کسانی را که در محل حضور داشتند، محکوم کرد؟

همان طوری که هر جنبش اجتماعی، فقط در شرایط خاصی وارد میدان می‌شود، به اوج می‌رود و ریزش می‌کند، همان طور هم اتحاد و همبستگی مردم شرایط خاصی می‌خواهد. مثلاً در روزهای پیش از "انقلاب" سال ۱۳۵۷ دو خودرو با هم تصادف کردند، رانندگان از ماشین پیاده شدند، صورت هم را بوسیدند و به راه خود رفتند. ده سال بعد از انقلاب همان آدم‌ها برای چند تومان علیه هم چاقو کشیدند. چرا؟ دلیل این تغییر رفتار چه بود؟ تغییر شرایط که تغییر رفتار خاصی را در هر انسانی باعث می‌گردد. در سال ۱۴۰۱ به مجرد این که نیروهای امنیتی و پاسداران در خیابان ظاهر می‌شدند، جوانان به آن‌ها تهاجم می‌کردند، آن‌ها را کتک می‌زدند و لخت می‌کردند. ولی در این روزها جانباختن گشت نور زنان بی حجاب و یا بد حجاب را اول کتک می‌زدند و بعد با خود می‌برند، ولی کمتر کسی دخالت می‌کند. آیا این از روی ترس است و یا تغییر شرایط؟

در آن لحظه‌ای که آهو دریائی نیمه برهنه شد و چهره وقیح و دد منش رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت، تعداد زیادی مأمور امنیتی (زنان عقب مانده و گفتار صفت حجاب‌بان و لباس شخصی‌های وزارت اطلاعات) حضور داشتند. تعداد اندکی از دانشجویانی که آنجا بودند، هیچ پشتیبان اجتماعی را در آن لحظه پشت خود نمی‌دیدند در عین حال مأمورین دیگری نیز در حال آمدن به صحنه بودند. در بیرون نه اعتراضی بود و نه اعتصاب خیابانی. در کل جامعه ایران اعتراضات عمومی نه تنها اوج سابق را ندارد بلکه فرو کش نموده است. اعتراضات کارگری پراکنده است. اعتراضات اقشار دیگر کاملاً پراکنده، دور از هم و با شعارهای رفرمیستی است. کل اتمسفر جامعه ایران حالت شورش و انقلابی ندارد. حاضرین در آن صحنه نه تنها ترسو نبودند بلکه در شرایط دیگر به سر می‌بردند. آنها در گذشته در این جنبش شجاعت به خرج داده و مؤثر بودند ولی در آن لحظه کاری از دستشان بر نمی‌آمد. اگر با دقت به صحنه نگاه شود روشن می‌گردد که به تعداد دانشجویان، مأمور مسلح و غیر مسلح وزارت اطلاعات و حجاب‌بانان دور آهو را گرفته‌اند. این شرایط عمومی جامعه و مشخص جلوی دانشکده باعث عدم دخالتگری دانشجویان گشته است. ولی مقاله با ساده اندیشی آن‌ها را ترسو قلمداد می‌کند. اگر چنین است باید اکثریت مردم ایران را در این شرایط ترسو بنامیم. و این با هر تحلیل ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی غلط و سطحی است.

آهو دریائی و دانشجویان حاضر در صحنه، لحظات دردناک و سختی را گذراندند. مأمورین وزارت اطلاعات و سپاه، آهو را با خود به تیمارستان می‌برند ولی جمهوری اسلامی با تمام قامت خونین و متعفن‌اش لخت و برهنه بر صحنه دانشکده، در افکار اکثریت جامعه و در صحنه بین‌المللی دوباره ظاهر می‌گردد.

باید با تمام توان اعمال دد منشانه رژیم را در ربودن آهو دریائی افشا کرد، از آهو پشتیبانی نمود و برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی منجمله آهو دریائی مبارزه همه جانبه‌ای را سازمان داد.

نظم کمونیستی

۱۵ آبان ۱۴۰۳